



آبان ماه ۱۴۰۱

۷۷
ربیع الثانی ۱۴۴۴

دوهفته نامه فرهنگی خانه طلاب جوان

پویشی برای ترسیم سیمای «طلبه عصر انقلاب»

قیمت: پنج هزار تومان
شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۳۶۸۱۱
به نام خانه طلاب جوان قم



راهکار عملی مکتب امام برای اتفاقات اخیر

گفتگو با حجت الاسلام کاظم زاده
پیرامون تحلیل اغتشاشات ۱۴۰۱

ویژه نامه: اغتشاشات ۱۴۰۱

تقصیر مردم است

● علی مهدیان

ده هشتادی های از دست رفته!

● هادی حسن زاده

تحلیل های اشتباه

● حجت الاسلام والمسلمین وزیري فرد

انذار به قصد تذکر

● مهدی عباسی



این شماره تقدیم به
طلبه شهید آرمان علی وردی



جوشش «مردم» در معرکه میدان

صفحه ۱۰



ح انفعال

سرآغاز | بیانات مقام معظم رهبری (۱۱ مهر ۱۴۰۱)

این تحریکات (اغتشاشات اخیر) یک چیز خودجوش درونی نیست. البته ممکن است از یک زمینه‌هایی استفاده کرده باشند لکن تحریکات تبلیغاتی و اثرگذاری فکری و مانند این‌ها، ایجاد هیجان، تشویق، راه‌نشان دادن: این جور کوکتول مولوتوف بسازید، یا این جور فلان کار را بکنید، این‌ها کارهایی است که واضح است که دارد انجام می‌گیرد؛ این روشن است؛ این فراموش نباید بشود. هرکدام از این آقایان در این زمینه نظری می‌دهند، صحبت می‌کنند، باید به این توجه داشته باشند و توجه بدهند.

یک نکته‌ی مهم این است که انسان وقتی نگاه می‌کند، می‌بیند این کاری که حالا دشمن دارد در این زمینه انجام می‌دهد، یک کار انفعالی است، یک کار واکنشی است، عکس‌العملی است؛ یعنی ملت ایران در فاصله‌ی کوتاه، چند حرکت بزرگ انجام داده، که این حرکت‌های بزرگ درست ۱۸۰ درجه نقطه‌ی مقابل سیاست‌های استکبار جهانی است که من حالا اشاره می‌کنم؛ این‌ها ناچار شدند عکس‌العمل نشان بدهند؛ یعنی کارشان کار انفعالی است، ابتکار نیست. برای اینکه بتوانند خلأهایی را که برای آن‌ها به وجود آمده پر کنند، این کارها را شروع کردند، برنامه‌ریزی کردند، پول خرج کردند، افراد زیادی را به میدان آوردند از شخصیت‌های سیاسی دنیا از آمریکا، اروپا و جاهای دیگر. آن چند حرکتی که گفتیم ملت ایران انجام دادند، اولی‌اش، آن حرکت عظیم مردم بخصوص جوان‌ها بود در قضیه‌ی کرونا. این حضور عجیبی که مردم ما و جوان‌ها پیدا کردند، در هیچ جای دنیا سابقه ندارد؛ یعنی تا آنجایی که ما خبرداریم، هیچ خبری از این‌گونه حضور، حضور مردمی در جاهای دیگر نیست؛ حضوری که از دفن جنازه‌ها در آن روزهای اول که صاحبان جنازه‌ها و خویشاوندان جرئت نزدیک شدن به آن‌ها را نداشتند، یک مشت جوان، یک مشت علاقه‌مند، داوطلب شدند، آمدند جنازه‌ها را تجهیز کردند و تدفین کردند، بگیرید تا



رکت

بقیه‌ی کارهایی که انجام گرفت، [از قبیل] تولید واکسن، تولید ماسک، تأمین انواع و اقسام نیازها، و بعد کمک مؤمنانه به کسب و کارهایی که معطل شده بود، مردمی که نیازمند شده بودند؛ جوان‌های ما وارد میدان شدند، این نشان دهنده‌ی چه بود؟ دو چیز را نشان می‌داد: یکی اینکه ملت ایران بانشاط و زنده و سرحال است، دوم اینکه ملت ایران متدین است، به مسائل دینی و ارزش‌های دینی پایبند است.

این، حرکت اول ملت ایران بود، و آخری‌اش مسئله‌ی اربعین بود؛ چه راه‌پیمایی میان نجف و کربلا، و کاظمین و کربلا، و چه راه‌پیمایی‌های عظیم داخل کشور به عنوان راه‌پیمایی جاماندگان. این‌ها خیلی مهم بود؛ میلیون‌ها انسان و غالباً جوان در این راه‌پیمایی‌ها شرکت کردند، حضور پیدا کردند. این‌ها هم نشان دادند که هم زنده‌اند، بانشاط‌اند، سرپایند، هم متدینند، پایبند به مسائل دینی‌اند، علاقه‌مند به دین‌اند، دین‌باورند. البته بین این دو، آن پدیده‌ی بی‌نظیر سرود حماسی «سلام فرمانده» هم بود که از مرزها فراتر رفت، ده‌ها میلیون جوان و نوجوان را در دنیا به خودش جذب کرد. این‌ها شوخی نیست؛ این‌ها مسائلی است که بار اول است در دنیا دارد اتفاق می‌افتد. یک سرودی در یک کشوری تولید بشود، بعد تکثیر بشود در چندین کشور دیگر و جوان‌ها [آن را همخوانی کنند] که حالا من اسم کشورها را نمی‌خواهم بیاورم؛ اگر اسم بیاورم، قطعاً بعضی از شما که اطلاع ندارید، تعجب خواهید کرد. این‌ها اطلاعات ما است؛ اطلاعات دقیق و نزدیک ما است. خوب، این بُروز ملت ایران در محیط منطقه و فراتر از منطقه، آن‌هم به این شکل، چیزهایی است که دشمن این‌ها را می‌بیند و در قبال آن نمی‌خواهد ساکت بنشیند؛ [لذا] در مقابلش این کارها را انجام می‌دهد. می‌نشینند برنامه‌ریزی می‌کنند که اول مهر، ایران را مثلاً فرض کنید که مشغول به اغتشاش کنیم و [مانند] این‌ها. این یک نکته‌ی بسیار مهمی است: حرکت دشمن حرکت انفعالی است، و ابتکار دست ملت ایران است؛ خدا را شکر و بحمدالله. این جور حرکات است که ملت‌های دیگر را مجذوب ملت ایران می‌کند، مجذوب ایران می‌کند، مجذوب حرکت ایرانی می‌کند. خوب، این چند حرکت بافاصله‌ی کوتاه گرایش دینی مردم را نشان داد، نشاط جوانان را نشان داد و طبعاً این، ۱۸۰ درجه نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که آن‌ها می‌خواهند در ایران وجود داشته باشد و اگر وجود ندارد نشان بدهند، این [جور] است. لذا می‌آیند دچار عکس‌العمل می‌شوند؛ عکس‌العمل‌های ناشیانه و ابلهانه‌ای که دشمن انجام می‌دهد.

امیدوارم این متن به دست بانوان کشورم برسد

این سخنان رهبر حکیم انقلاب اسلامی ما است: « زنان کشور در انقلاب اسلامی سهم بزرگی را ایفا کردند؛ به طوری که اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی شد؛ یا اصلاً پیروز نمی شد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می آمد. بنابراین، حضور زنان مشکل گشا بود. در جنگ هم همین طور بود». (مقام معظم رهبری ۱۳۷۶/۷/۳۰)

اما اول - با توجه به این بیانات، در سلوک جمعی مان، امت بزرگ ایران ما، در هر گردنه ای که حضور دارد، اگر هویت زنانه انقلاب، متناسب با آن قیام کند، مانند خود انقلاب کار پیش خواهد رفت و پیروز خواهیم شد.

دوم - در این فتنه اخیر که فتنه سلبریتی ها و فضای مجازی است، ما دستمان خالی است. اساساً مزیت نسبی ما چهره ها نیستند. مزیت نسبی ما مردم و توده هایی هستند که دیده نمی شوند. مثل دوران دفاع مقدس. مثل خود انقلاب.

سوم - یکی از بهترین راه ها برای رساندن پیام انقلاب و روشننگری ذهن ها، می تواند توسط خانم ها اتفاق بیفتد. شبکه ساده و روانی که هر خانم در اختیار دارد، از همسایه، فامیل، دوست و... به راحتی در اختیار اوست. البته به شرط این که خود را مجاهد این صحنه ببیند. چهارم - به حضرت زینب اقتدا کنید. قیام کنید. نگذارید امامتان تنها بماند. نگذارید هیمنه پوشالی دشمن در فضای مجازی ذهن های مردمانتان را با خود ببرد.

چند پیشنهاد کوچک هم وجود دارد؛

- باید اراده دشمن را بشناسیم. به آن فکر کنیم، برای آن فرمایشات مقام معظم رهبری را مرور کنیم.
- به نظر می رسد اراده دشمن ایجاد تنفر از نظام اسلامی و کارگزاران آن به خصوص نیروهای امنیت آفرین آن است و در وهله بعد این که اتحاد مردم را تبدیل به اختلاف و دودستگی کند.
- ایستادن روی مسئله هویت ملی، افتخارات ایران اسلامی از گذشته تا اکنون، آشنا کردن جوانان و نوجوانان با این مقوله ها، رشد عقلانیت و خردورزی، خودباوری ملی، محبت به یکدیگر و خیلی چیزهای دیگری که هر زن ایرانی به حکم فطرتش از آن با اطلاع است، راهگشای محتوایی است. - چالش ذهنی فتنه باقی است. و این مسیر اقتدا به حضرت زینب می طلبد. یادمان باشد جمهوری اسلامی حرم است.



تجلی تمدن

خورشید حقیقت همواره در آسمان دل‌های باورمند طلوع می‌کند و با حضور نور، ظلمت‌های ظلالت غروب می‌کند. از آن روز که باغبان هدایت، یعنی حضرت محمد ﷺ، پای بر گلستان هستی نهاد. با دستان الهی خود بذر حقیقت را در سرزمین وجود انسان‌ها بی‌افشاند و معرفت را که در دانه گمشده فطرت‌ها بود به ارمغان آورد. و از آن روز، گل‌های بینش و بصیرت یکی پس از دیگری شکفتند و در گستره گیتی عطرآشانی کردند. او به حکم خدا نماز را آورد تا ستونی محکم برای بنای انسانیت باشد و تندیس‌ی برای تقوا ساخت با حکم روزه و... و آنگاه که اکسیر معرفت در جان مؤمنان جای گرفت و برج‌های بلند اصول دین و فروع آن از منظر آنان هویدا گشت، حکمی دیگر آمد، حکمی به عظمت همه زیبایی‌ها و حکمت‌ها، یعنی حکم حجاب. در مدینه آنجا که مدنیت و تمدن جلوه‌گر می‌شود باید با قانون‌های انسانی و الهی زیست و حجاب قانونی است الهی، که تجلی تمدن است. قانونی که از جانب خداوند صادر شد تا عفت برونی زن با عفت درونی او هماهنگ گردد و بنیان خانواده مستحکم گردد و زیبایی و دل‌آرایی زن فقط از آن همسرش باشد.

خواهرم تو مجری این قانون الهی هستی. خواهرم فراموش نکردی که متعلق به چه سرزمینی هستی، سرزمینی که خون‌بهای آن بیش از ۲۲۰ هزار شهید گلگون‌کفن می‌باشد. شهدایی که رفتند و غسل شهادت کردند تا حیات جاوید ابدی معنا پیدا کند، شهدایی که خونین‌کفن شدند تا غیرت و حیا و آزادگی هم چنان متبلور بماند، شهدا رفتند تا سنگر حجاب و عفاف، پرچم مبارزه با تهاجم فرهنگی گردد. شهدا رفتند که چادر و حجاب بماند، رفتند تا درخت نونهال انقلاب اسلامی مان را آبیاری کنند، تا با برجا بماند. آری حجاب ثمره خون شهیدان است، شهیدانی که سرخی خونشان را به سیاهی چادر به امانت سپردند، شهیدانی که حجاب شمارا کوبنده‌تر از خون سرخ خویش معرفی نمودند، شهیدانی که مهم‌ترین آرزوی‌شان به تصریح وصیت‌هایشان حفظ حجاب و اطاعت از ولایت فقیه بوده است. خواهرم فراموش نکردی وصیت شهید احمد پناهی را، که «حجاب شما سنگری است آغشته به خون من، که اگر آن را حفظ نکنید به من خیانت کرده‌اید» فراموش نکردی وصیت حمید رستمی را که فرمود «به پهلوی شکسته فاطمه زهرا علیها السلام قسمتان می‌دهم که حجاب را، حجاب را، حجاب را، حجاب را رعایت کنید» فراموش نکردی وصیت علی روحی را که این بزرگوار فرمود: «از خواهران گرامی خواهشمندم که حجاب خود را حفظ کنند زیرا خون‌بهای شهیدان است» و فراموش نکردی صدها بلکه هزاران وصیت دیگر را که همگی از شما فقط یک درخواست داشتند و آن حفظ حجاب بوده است. حال خواهرم این وظیفه و امانت بر دوش شماست که با صیانت از حجاب، این تاج بندگی خدا، پاسدار خون شهیدان عزیزمان باشید و عفت و عصمت خویش را به تاراج غارتگران حیا نگذاشته و مبتلابه بیماری برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی نگردید.



تقصیر

یادداشت | علی مهدیان

یک عدمون مشکل رو در فشارهای اقتصادی به مردم دیدیم و گفتیم خون ملت به جوش آمده. یک عدمون گفتیم مشکل اصلی بحث حجاب و قانونی بودن اونه. رفتیم تو بحث و جدل که اینو حل و فصل کنیم. یک عدمون گفتیم مشکل سلبریتی کثیف و لایک پرسته، هم خودشون هم فرهنگشون و هم محیط رشد و نمو و حیاتشون. یک عده هم با بی انصافی مسئله رو ظلم مسئولین دانستیم و ظالمانه گفتیم مردم مقابل ظلم قیام کردند. یا ادای آدم‌های باانصاف رو درآوردیم و گفتیم مسئولین خطا کردند. رفتیم روی نقد خطاهای نیروی انتظامی و دیگران.

اما وقتی او وارد شد و تحلیل کرد خیلی‌ها فهمیدند سر کار بودند. ریشه اصلی را ندیده بودند. همه منفعل شده بودند و گول خورده بودند. او یک حرف متفاوت زد. مثل همیشه عمیق‌ترین و دقیق‌ترین تحلیل را او گفت. ریشه اصلی همه این مشکلات آن است که داریم

پیش می‌رویم.

یران دهه نود را با مسئولینی ضعیف و پر خطا و غرب ترس و غرب بسنده، «دوام آورد». ایران درد کوچک شدن سفره و بی‌کاری و بی‌مسکنی را با طعم دولتی بی‌خیال و کم‌کار پشت سر





ردم است

گذاشت. خواستند مردم پای صندوق رأی نیابند تا همه این درد و رنج که منشاش یا فشار دشمن بود یا فرهنگ دشمن پرستی، همه‌اش را به صورت نظام بکوبند. اما مردم آمدند. همه تلاش‌هایشان کمتر از بیست درصد ریزش رأی را به همراه داشت. بقیه مشارکت‌کنندگان ابتدای دهه نود باز هم آمدند. شد یک حماسه. دشمن خفه خون گرفت. مردم درد داشتند اعتراض داشتند رنج کشیدند اما نگذاشتند اسلام سیلی بخورد و سیلی به دشمن زدند.

این‌گونه بود که ورق برگشت. دولتی آمد مصمم. مردمی. امیدوار به مردم. شجاع در تصمیم‌گیری. آثار حضورش کم‌کم هویدا شد. صدای شکستن استخوان‌های پیکره تحریم‌ها شنیده شد. چک برجام نقد می‌شد نه با اختیار طرف مقابل بلکه با زبانی که بهتر می‌فهمیدند یعنی اجبار. سخت‌ترین تصمیم‌های اقتصادی شجاعانه گرفته شد.

نشاط مردم جلوه‌نمایی می‌کرد. صحنه شد صحنه بروز معنویت. اربعین چشم‌های دشمن را داشت از حدقه بیرون می‌کشید. میلیون میلیون ایرانی راه افتادند. سرود سلام فرمانده رفت روی مخشان، تصویر یک ایران بانشاط معنوی و با عزم جدی که از وسط آتش شیطنت‌هایشان دوباره برخاسته، داشت مخابره می‌شد. شروع کردند به دست‌وپا زدن.

دشمن دشمن است همیشه دشمنی می‌کند. اما تحلیل او را دقت نکردیم. مشکل او این بار هیبت و اقتدار ایران بود. دستپاچه شده بود. این‌که همه مهره‌هایش را رو کرد و اینکه شروع کرد مثل گربه ترسیده به چنگول کشیدن، همه‌اش ناشی از حرکت مردم بود. این آن فهم رافی و متفاوت «پیر طریقت» ما بود و چقدر درست می‌گفت.

او در «جنگ روایت‌ها» هم استاد بود. روایت‌گری او بر بستر «تبیین» سوار بود. واقعیت را می‌گفت. درست‌تر از همه. اما هم‌زمان روایت دشمن را هم باطل می‌کرد. «تبیین» واژه‌ای است که تشعشعش را باید در دستان او ببینیم تا بشناسیمش. این تبیین همان عصای موسوی است که مارها را به تمسخر می‌کشد. تبیین اگر تبیین باشد در هر جنگ روایتی ورق را برمی‌گرداند.

و ما مثل همیشه درس گرفتیم از این استاد حقیقت و استاد طریقت و استاد شریعت و استاد سیاست.



وجه شبه مفقود است

یادداشت | محمدرضا آقازاده



پس از تقسیم آلمان بین ۴ کشور پیروز در جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد بین بلوک شرق و غرب، مردم ساکن در آلمان شرقی، برای دنبال به دست آوردن رؤیای زندگی غربی و برای زندگی تحت حکومت فدرال آلمان غربی، که در بلوک غرب قرار داشت. تن به هر نوع ذلتی می دادند. در واقع مردم تلاش می کردند از دست حکومت کمونیستی شوروی فرار کنند و در آزادی بی قید و بند فرهنگ غربی که در آلمان غربی جاری بود زندگی کنند. این مهاجرت کار را بدان جا کشاند که حکومت شوروی برای جلوگیری از این مهاجرت همگانی، مجبور شد دیواری به طول ۴۵ کیلومتر در میانه شهر و در امتداد آن دیواری ۱۲۰ کیلومتری به دور آلمان غربی بکشد و امنیت دیوار را با سیم خاردارهای دارای برق و پست های نگهبانی، با مجوز تیراندازی تأمین کند. اکثریت مردم از ظلم هایی که با شعار عدالت اجتماعی توسط حکومت کمونیستی بر مردم روا داشته شد خسته بودند و در مقیاس گسترده قصد مهاجرت داشتند و حکومت شوروی مانع از این اتفاق می شد و در طول ۲۸ سال، دیوار برلین نقش مانعی سخت و خشن برای رسیدن به آزادی غربی را داشت، تنش های زیادی بین خیل کثیری از مردم با حکومت شوروی ایجاد شده بود ولی در نهایت پس از ۲۸ سال و در سال ۱۹۸۹ این دیوار فرو ریخت و میلیون ها انسان به خواسته ی خود رسیدند.

پس از مرگ اتفاقی و جان سوز یک دختر در جریان کلاس های آموزشی، گشت امنیت اخلاقی و فعال شدن سر شبکه های آماده به اغتشاش در ایران و استفاده از این بهانه و آغاز درگیری های خیابانی، یکی از مسئولین آمریکایی اتفاقات ایران و درگیری های پیش آمده را به



وضعیت درگیری‌های مردم با حکومت شوروی به سبب دیوار برلین تشبیه کرده بود که این مسئله توسط رهبر انقلاب در دیدار با دانش‌آموزان دانشگاه افسری بیان شد.

در باب این تشبیه در یک کلام می‌توان گفت، مشبه و مشبه به موجود ولی وجه شبه مفقود است. کسانی که در خیابان‌های ایران برای ایجاد آزادی غربی، شروع به اغتشاش کردند همانند مردم ساکن در آلمان شرقی عاشق و شیفته‌ی سبک زندگی غربی با آزادی‌های بی قید و بند آن هستند ولی باید توجه کرد که مجموع این افراد برخلاف افرادی که قصد تخریب دیوار برلین را داشتند، به یک درصد از جمعیت کل مردم هم نمی‌رسند. خواست عمومی و حداکثری مردم در آلمان شرقی تخریب دیوار و پیوستن به بلوک غرب بود ولی در باب مسئله این روزهای ما می‌توان گفت، به معنای واقعی، مردم درخواست کنار گذاشتن شریعت از بستر اجتماع و جاری شدن آزادی با تعریف غربی را ندارند و تنها عده‌ی قلیلی این خواسته را داشتند که در مقایسه‌ی ملت ایران، قطره‌ای در مقابل دریا می‌باشند، عده‌ی قلیلی که تمام آرزو، توجه، امید و نقطه‌ی تمرکز سیاست‌مداران غربی هستند. مردم ایران در راهپیمایی‌های سراسری روز جمعه‌ی بعد از اغتشاشات خواست جمعی و ملی خودشان یعنی اجرای قواعد شریعت و به خصوص حجاب در بستر اجتماع را به جهانیان اعلام کردند که نشان از اقیم بودن تشبیه انجام شده توسط سیاست‌مدار آمریکایی می‌باشد. در این تشبیه، به غلط، خواست اقلیتی غرب‌گرا به عنوان وجه تشبیه در نظر گرفته شده که به سبب عدم شناخت صحیح از مردم ایران، این تشبیه انجام شده است.



جوشش «مردم» در مع

۱. تهران، یک مهر ۱۴۰۱، نماز جمعه، راهپیمایی مردم. آن قدر از «مردم» سخن گفتند که بعضی باور کردند که گویا آنان که در خیابان، رسم «هرزگی» و «خیانت» و «خباثت» در پیش گرفته‌اند، به راستی «مردم» هستند، اما امروز، نه در شب تاریک بلکه در روز روشن، معنی «مردم» را دریافتیم و دیدیم «مردم» چه کسانی هستند و چه می‌گویند. سیل جوشان و برآشفته جمعیت، پایان نداشت و مردم از پس مردم در راهپیمایی، روان بودند. هرچه می‌آمدند و می‌رفتند، تمام نمی‌شدند. در اینجا، دل‌ها شعله‌ور بود، نه سطل‌های زباله؛ درد دین داشتند، نه سودای ولن‌گاری فرهنگی؛ هم‌دل و مؤمن بودند، نه اجیرشده و فریب‌خورده؛ نه سنگی پرتاب شد و نه شیشه‌ای شکست شد؛ نه اموال عمومی به آتش کشیده شد و نه مأمور نیروی انتظامی؛ نه راه بر کسی سد شد و نه به کسی حمله شد؛ نه سلاح سرد در میان بود و نه سلاح گرم.

۲. امروز، متن و ماهیت «واقعیت اجتماعی» در ایران، از سوی خود «مردم»، به تصویر کشیده شد؛ تصویری راستین از «لایه پنهان هویتی». آنچه را که دیگران در «نظرسنجی‌ها» و «نظرسازی‌ها» طلب می‌کردند، امروز در برابر چشمان خویش مشاهده کردیم و از زبان خودش، «دردها» و «دغدغه‌ها» و «رنج‌ها» و «خواسته‌ها» و «آرمان‌هایش» را شنیدیم. همه چیز، «طبیعی» و «دست‌کاری نشده» بود و مردم، خویش را همان‌گونه که بودند، نمایانند. کافی بود از حائل و عایق «رسانه» خارج بشویم و به خود «واقعیت»، چشم بدوزیم تا حقیقت را دریابیم. باید خویش را از بافته‌ها و ساخته‌های «رسانه‌های نارسا»، تهی سازیم و صدای واقعیت را مستقیم بشنویم.

۳. همچنین در «میدان عینیت»، مشاهده کردیم که واقعیت اجتماعی در ایران، هرچند خصوصیت «پیوستاری» و «زنگین‌کمانی» دارد، اما از «دامنه دیانت» و «دایره ولایت» خارج نیست. مردم، یکسان نیستند، اما تنوع و تکثرشان، در چهارچوب ارزش‌های غایی و بنیادی صورت‌بندی شده است که همگی از هویت و حیات دینی برخاسته‌اند. این است عمق و عقبه تعهد دینی در جامعه ایران. آنان که جامعه ایران را «پاره‌پاره» و «متلا» به «شکاف‌های فزاینده» و «تضادهای ریشه‌ای» می‌دانند، نمی‌دانند که بیرون‌زدگی‌ها و اصطکاک‌ها، اقلی و ناچیز هستند و نمی‌توانند به یکپارچگی هویت دینی، گزند برسانند.



رگه میدان

۴. البته می‌دانم که ما در ایران با "طبقه متوسط متجدد" روبرو هستیم که دنباله بومی و وطنی تمدن غربی هستند و انتخاب‌های فرهنگی‌شان با ما تفاوت فراوان دارد، اما اینان، "تعیین‌کننده" نیستند؛ چراکه "اکثری" و "فره" نیستند. اینان اقلیت پریشان‌حال و پرمدعایی هستند که می‌کوشند از خویش، "روایت‌های بزرگ" بیافرینند و وانمود که کنند همان "مردم" هستند. این دعاوی و روایت‌سازی‌ها، چنان زیرکانه و مودیانه بوده که حتی برخی از ما نیز به خطا افکنده و دچار این گمان کرده که جامعه ایران از "ایدئولوژی انقلابی" عبور کرده است؛ حال آن‌که واقعیت نیالوده به کج‌روایت، چنین دلالتی ندارد.

۵. بخش عمده‌ای از این روایت‌سازی‌های وارونه، بر عهده "روشنفکران سکولار" بود. آنان به طور عامدانه و آگاهانه، "پیش‌فرض‌های اثبات‌نشده" خود را تکرار کردند و کوشیدند با "تکرار روایت"، دروغ را بر جای حقیقت بنشانند. ما نیز سعی نکردیم که مواجهه ساختارشکنانه با "بدیهیات کاذب" آنها داشته باشیم و نشان دهیم که "مقدمات" و "مبانی"‌شان، یکسره خطا و ناصواب هستند. بیچاره اینان که استدلال‌های‌شان، پای چوبین دارند و آرمان‌شهرشان، چونان خانه‌ای بر آب است. آنچنان در مرداب "حماقت نظری" فروغلتیده‌اند که هرچه "واقعیت" فریاد می‌زند که "نظریه‌ها"ی‌شان را برنمی‌تابد، نمی‌شنوند.

۶. در آن سو، دسته‌ای از "روحانیان دگراندیش و سیاست‌زده" قرار دارند که تجدد را "توجیه دینی" می‌کنند و برای "آزادی لیبرالی"، آیه و روایت می‌آورند. از آن‌گاه سهم‌شان از قدرت سیاسی پرداخت نشده، زبان به اعتراض گشوده‌اند و سرگرم دوخت و دوز "جامه کج‌روایت" به تن واقعیت شده‌اند. این "آیت‌الله‌های فرسوده" و "حجت‌الاسلام‌های پشیمان"، جاده صاف‌کن نیروهای تجدیدی در ایران هستند و دین را به دست مایه بازتولید سیاسی خویش فروکاهیده‌اند. دریغ از اندکی صداقت و تقوا و اخلاق در این ظاهرالصلاح‌های معمم. شریح‌های هُرهری مسلکی هستند که دین‌دانی‌شان، "نرخ" دارد نه "عیار". اینان مبلغان و مروجان "فقه جان‌لاکی"‌اند نه "فقه جعفری" که می‌توانند به هر دروغ و خدعه‌ای، ده‌ها آیه و روایت سنجاق کنند و از دین و دین‌دانی، "دکان" بسازند. خمینی کبیر از بوی تعفن اینان در آخرت گفت، اما کار بدانجا رسیده که ما در همین دنیا، از وجود مشمئزکننده اینان گریزان شدیم.



دهه هشتادی از دست رفته!

یادداشت | اهادی حسن زاده

۱. چه کسی این میزان از خشونت را برای نسل جدید تصور می‌کرد؟! هر قدر هم که نقش محرک‌های خارجی و جهت‌دهی آنان در اغتشاشات جدی باشد، باز هم خشونت، سنگدلی خاص خود را می‌طلبد؛ دل‌سنگی باید در معرکه حاضر باشد تا نقشه طراح را عملی کند. حال سؤال اینجاست این دل‌سنگ، از کجا آمده است؟؟ به نظر می‌رسد «جو» پاسخ کاملی به این پرسش نباشد. برخی انباشت هیجان‌ات تخلیه نشده را علت اصلی این رفتارهای خشونت‌آمیز می‌دانند، آن‌ها معتقدند بازی‌های رایانه‌ای به مثابه آموزشگاه مبارزات خشن عمل کرده و شیوه تخلیه هیجان را پیش‌پیش به جوان در معرکه (که او و همسالانش را به نسل «Z» می‌شناسند) تعلیم داده است. انسان موجودی پیچیده است و توضیح تک‌علتی برای رفتارهای او بسیار مشکل. ای بسا هزاران عامل روحی، طبیعی و محیطی در یک عمل فرد مؤثر باشد. با علم به این نکته، باز هم می‌توان ادعای وجود علتی مشترک، برای جنس خاصی از رفتارهای بشر را مطرح نمود و به همین ترتیب راه‌حل و نسخه‌ای مشترک برای اصلاح یا ارتقای رفتارهای او؛ برای مثال می‌توان «حب دنیا» را سرسلسله همه خطاهای بشر دانست و «تقوا» راه‌حل مشترک همه آن‌ها. چراکه انسان‌ها در کنار تفاوت‌های بسیار، اشتراکات بنیادین و اساسی فراوانی دارند. بگذریم...



چه کسی این میزان از خشونت را برای نسل جدید تصور می‌کرد؟ علت چیست؟ هیجان انباشته و گیم؟ جو؟ پول؟...؟!

بی‌گمان نگارنده درصدد نفی عوامل این‌چنینی نیست، اما به نظر می‌رسد علت اصلی چیز دیگری باشد. درواقع در نگاه تاریخی، روزی بود که گیم و هیجانان انباشته نبود اما خشونت بود! شاید علت، «غفلت» (در برابر ذکر) باشد، شاید «فراموشی خود» (نسیان نفس) و شاید عاملی دیگر. هر چه هست، عمیق‌تر از جو و گیم و پول است، بلکه جو و گیم و پول تنها برانگیزاننده آنند.

پاسخ این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که در مقام ارائه راهکار دچار خطای در محاسبه نشویم و در صدد درمان علل فرعی نباشیم. طبعاً این به معنی بی‌توجهی به هیجانان و نیازهای طبیعی جامعه نیست.

۲. بسیاری با دیدن جوانان و نوجوانان دهه هشتادی در صحنه اغتشاشات همراه

۱۴۰۱ تعجب کردند. به‌راستی ما با یک نسل جدید از دست‌رفته مواجهیم؟

در کمال تعجب برخی از دلسوزان گفتمان انقلاب بر این باورند که انقلاب موفق به برقراری ارتباط با نسل‌های جدید نشده است! حتی گاه پا را فراتر گذاشته، می‌گویند: اصلاً گفتمان



انقلاب، ادبیات گفتگو با این نسل و به صورت عام، گفتگو با «طبقه متوسط» را نمی‌داند! تعجب نگارنده بدین خاطر است که این دیدگاه با واقعیت‌های صحنه به هیچ وجه همخوانی ندارد. در کنار استدلال‌هایی که می‌توان در این زمینه مطرح نمود، راقم این سطور که خود تجربه تبلیغ در میان نوجوانان و جوانان را در نقاط مختلف کشور دارد خلاف این ادعا را مشاهده کرده است؛ برای مثال فاطمیه سال گذشته (۱۴۰۰) این سؤال را با دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در میان گذاشتم: «آیا حاج قاسم انسان قدرتمندی بود؟» بلااستثنا همه تصدیق کردند. بچه‌ها او را دوست داشتند و وی را به عنوان الگوی قدرت پذیرفته بودند. و این یعنی نوجوانان دهه نودی نه تنها گفتمان قدرت (که گفتمان انقلاب اسلامی است) را پذیرفته‌اند، بلکه در تطبیق مصداق هم با خالص‌ترین آن ارتباط گرفته‌اند. حماسه «سلام فرمانده» دلیل بزرگ موفقیت انقلاب در انتقال مفاهیم راقی خود به نسل‌های نوخواسته جامعه ایران و حتی جهان است. البته بی‌گمان کاستی‌های بسیاری وجود دارد اما با این حال نمی‌توان جنبش عظیم «سلام فرمانده» نادیده گرفت. حال درخواست من از دلسوزان گفتمان انقلاب این است که جریان «سلام فرمانده» را در میزان فراگیری با اغتشاشات مقایسه کنند. آیا انقلاب در انتقال مفاهیم خود به نسل نو ناموفق بوده است؟

۳. تاریخ انقضای شعارهای یک انقلاب چه قدر است؟ به راستی آرمان‌های امام خمینی دیگر خریدار ندارد؟!

واقعیت این روزهای جامعه ما نشان می‌دهد شعارها و آرمان‌های انقلاب، اصول پذیرفته شده ملت ایران است. چرا؟ چون حتی آنانی که خود را مخالف انقلاب می‌دانند هم برای مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی از شعارهای انقلابی استفاده می‌کنند! عدالت، آزادی، استقلال (نه شرقی، نه غربی)، مبارزه با ظلم و... این روزها نه فقط از زبان انقلابیون که از زبان غرب‌گرایان و متحجرها نیز شنیده می‌شود. شعارهایی که یک زمان گویی هیچ درکی از آن‌ها نداشتند و امروز ورد زبان‌شان است. حال اینکه آنان در بیان این حرف‌ها چقدر صادق‌اند بحث دیگری است که مجال گفتگو درباره آن فعلاً فراهم نیست. به هر رو آنان که سخت‌ترین مخالفین این آرمان‌ها بودند امروز داعیه دار آنان‌اند، هرچند در تشخیص مصداق در اشتباه باشند یا حتی قلباً به این شعارها ایمان نداشته باشند.

روزی بود که متحجرها اصلاً درکی از مفهوم ظالم زمانه نداشتند. اما امروز معتقدند اگر درباره ظلم زمانه‌شان سخن نگویند، در آخرت نمی‌توانند جواب اهل بیت علیهم‌السلام را بدهند! القصه، در این زمان شعارها و آرمان‌های انقلاب ملت ایران امری تثبیت شده و غیرقابل انکار است. و به عبارتی همه دارند در زمین انقلاب بازی می‌کنند. و «ابتکار دست ملت ایران است».



انذار به قصد تذکر

یادداشت | مهدی عباسی

عامل مؤثر برای فعالیت درست در فضای مجازی چیست؟

بعد از احساس مسئولیت برای ورود فعال در صحنه جهاد تبیین به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل و بستر کار، ارتباط با مردم است.

یکی از محورهای اصلی نخبه حوزوی ارتباط با مردم است. در مواجهه دشمنان انقلاب با جمهوری اسلامی، آن‌ها به درستی فهمیده‌اند عامل قدرت و پویایی نظام، مردم‌اند و به همین خاطر است که به دنبال فشارهایی هستند تا مردم را از نظام جدا کنند. نقش محوری طلبه همین جا است.

نخبه حوزوی یعنی آن‌کسی که در ارتباط با مردم با تمام ظرفیت خودش، به آن‌ها کمک می‌کند تا دین و هویت و اقتدارشان را حفظ کنند. دچار اشتباه محاسباتی نشوند و فریب دروغ‌ها و حيله‌های دشمن بخصوص در فضای مجازی را نخورند.

این رسالت حوزوی ما است. هدایتی که برخاسته از فهم عمیق دین و شناخت دشمن است. انذار به قصد تذکر در زمان ما که مقام معظم رهبری با جهاد تبیین به آن اشاره کرده‌اند همین دستگیری از مردم است.

طلبه در ارتباط با مردم در محورهای مختلفی می‌تواند نقش ایفا کند، از جمله رفع مشکلات ذهنی‌ای که دارند، ارائه جذاب و نو مسائل و موضوعات دینی، تبیین راه از بیراهه، خدمت به محرومین و...

اما مهم شکل دادن یک ارتباط زنده و دوطرفه است. این ارتباط می‌تواند حقیقی و در قالب هیئت و مسجد یا خانواده و فامیل یا دانشجوی و دانشگاه و... باشد و می‌تواند در فضای مجازی تعریف شود. مهم زنده بودن و دوطرفه بودن است.

این ارتباط اگر شکل گرفت و ما راهی را برای شنیدن حرف‌های مردم به اندازه توان خودمان باز کردیم آنگاه می‌توانیم شروع به کار کنیم و از ظرفیت‌های مختلف حوزوی‌مان برای حل مسائل آن‌ها استفاده کنیم.





ماجراکف خیابان نیست...

یادداشت | محسن مهدیان

برای تحلیل اغتشاشات اخیر اگر کف خیابان متوقف شویم دچار یک خطای تودرتو و فاحش شدیم. ماجرای اغتشاشات اخیر با همه نمونه‌های گذشته متفاوت است و مهم‌ترین تفاوت آن سهم و نقش پلتفرم‌هاست. شبکه‌های اجتماعی تنها آتش بیار و محرکه‌گیر نبودند، بلکه آتش‌ساز بودند. شبکه‌های اجتماعی تنها محلی برای قرارومدار اغتشاش نبوده و نیست. شبکه‌های اجتماعی تنها محلی برای پوشش گسترده اغتشاشات نیست. تنها برای اطلاع‌رسانی شبکه برانداز نیست. برای خبر راست و دروغ نیست؛ از این نگاه‌های سنتی و بسیط خارج شویم. شبکه‌های اجتماعی، همه اغتشاشات است نه جزء وابسته و ضمیمه. گذشت روزگاری که رسانه صرفاً جهت اطلاع‌رسانی بود.



نقش کلیدی و نهایی رسانه، ساخت تصویر در ذهن است و برای ساخت تصویر، فراتر از هشتک سازی نیازمند رویداد سازی است و لذا رویداد را ساختند تا تصویر را بسازند. هر کس در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخید احساس می‌کرد شهر در کنترل تروریست‌های وطنی است و حال آنکه در واقع خبری نبود جز گروه‌های کوچک پراکنده و محلی که دانسته و ندانسته آمده بودند تا حلقه‌های تصویر ذهنی را تکمیل و نهایی کنند. متأسفانه هنوز یک نگاه ساده اندیشانه

درباره عصر پلتفرم وجود دارد که سیستم حکمرانی در کشور ما را دچار برآوردهای کج‌ومعوج کرده است. استقلال حاکمیتی و قدرت حکمرانی در حال صدمه دیدن جدی است.

خیال می‌کنند پلتفرم یک ابزار اطلاع‌رسانی صرف است؛ خیال می‌کنند ابزار سرگرمی است؛ خیال می‌کنند جزئی و گوشه‌ای از زندگی است. خیال می‌کنند مردم تنها اوقات فراغت با پلتفرم می‌گذرانند. آقایان مسئول؛

پلتفرم، همه زندگی است. خود زندگی است. مجاز نیست؛ واقعیت است. متوجه باشیم درباره چه چیز حرف می‌زنیم.

اراده انسان‌ها از ذهن آغاز می‌شود و پلتفرم در نقطه شروع اراده انسان‌ها قرار گرفته است. ذهن را دست‌کاری می‌کند. رفتارها را رها کنید و ببینید چه چیز رفتار را می‌سازد. جنگ در ذهن است نه در کف خیابان. کف خیابان نشانه است و آیت که بدانید در ذهن‌ها چه خبر است. پلتفرم‌ها تنها در ایام اغتشاش فعال نبودند. اساساً پروژه اغتشاشات اخیر برای این روزها و چند روز پیش‌تر نیست. پروژه مستمر اهریمن است. یک سناریوی همیشگی که پایان نیز ندارد. بهوش نباشیم، زین پس چنین صحنه‌هایی را کف خیابان باید بیشتر بشماریم.

اما سناریویی که اهریمن بر پلتفرم سوار کرده است چیست؟ یکم. تعمیم شتاب‌زده و استقرای ناقص از مشکلات کشور. یعنی چی؟ یعنی به صورت



مداوم و روزانه نقاط ضعف و ریزودرشت را به کل حاکمیت تعمیم دهد. چنانچه مخاطب در بلندمدت احساس کند با حاکمانی مواجه‌اند که با او دشمنی دارند. این پروژه حس انتقاد او از وضع موجود را تبدیل به نفرت و خشم می‌کند. مشکلاتی که با هر فراز و نشیبی در حال اصلاح است و هرچه باشد ناشی از خیانت حاکمان نیست؛ چه آنکه حاکم کسی نیست جز مردم.

اما این گام فریبنده یک حلقه تکمیلی کم دارد. مخاطب باید در واقع نیز احساس کند این حس درونی آدم‌ها در حال تبدیل به یک کنش بیرونی است؛ آن‌هم یک کنش همگانی. اگر این کنش بیرونی و همگانی را باور کند پروژه مسخ تکمیل می‌شود و او نیز به خیابان خواهد آمد و بی‌آنکه بداند چه شده و به چه باید اعتراض کند و مطالبه‌اش چیست، می‌شود کلوخ انداز و آتش بیار و خدای نکرده آدم کش.

پس حلقه دوم، رویداد سازی است تا پروژه طراحی شده در ذهن کامل شود. کافیست جمعی در یک گوشه جمع شوند و شعار دهند. چند سطل آشغال آتش کشیده شود. چند تایی شعارنوشته شود و...

و در نهایت برای اینکه این رویدادهای محلی، واکنش ملی و جهانی بگیرد سراغ زن و خشونت رفتند چون قدرت کانونمندی و توجه سازی دارد. دقت دارید انشالله؛

یعنی رویداد نمی‌سازند که براندازی کنند، خیابان را به آتش می‌کشند تا ذهن‌ها را تسخیر کنند. براندازی نهایی نتیجه فلج ذهنی و مسخ شناختی است و خود به خود رقم می‌خورد. آقایان مسئول؛

جنگ در ذهن است. هر کس ذهن را در اختیار بگیرد اراده آدم‌ها را مختل می‌کند. اصلاً مهم نیست آدم‌ها حتی چه اعتقاد و گرایشی دارند. شناختشان از واقع تغییر کند اراده‌شان تغییر می‌کند. کم نبودند این روزها خواصی که در میانه حق و باطل و در وسط میدان متحیر ماندند و اگر باسبیلی واقعیت هوشیار نشدند، زیر دست و پا له شدند. آقایان حکومت؛

جنگ کف خیابان نیست. معطل نمانید. گذشت ۷۸ و ۸۸ و حتی ۹۸. نقطه شروع را در پلتفرم‌ها و قدرت شبکه ببینید. راه اصلاح بسیار است به شرط اینکه این ادراک کلیدی شکل بگیرد که یله سازی فضای مجازی که راه را برای جولان اهریمن هموار می‌سازد و مارییچ سکوت ساختاری پلتفرم‌ها که راه را برای کنشگری جبهه حق می‌بندد، جامعه را مسخ می‌کند و معنای قدرت را تغییر می‌دهد و استقلال کشور را می‌گیرد و حاکمیت را مسلوب الاراده می‌سازد. به هوش شویم شما را به حضرت عباس ع.



من و کتاب

آزادی یعنی آزادی

● مفهوم آزادی یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مفاهیم دانش‌های فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق محسوب می‌شود. هر قرائتی از این مفهوم تأثیری مختص به خود در ابواب و فروع مختلف اندیشه‌های فلسفه سیاسی-اجتماعی و فلسفه حقوق دارد. در عین حال آزادی معنایی نیست که تازه و نو پیدا باشد بلکه بسیاری از اندیشمندان اجتماعی و علمای سیاست در مورد آن سخن گفته و نظریه پردازی کرده‌اند. روشن است که ورود به مبحثی که سابقه چند صدسال مباحثات دانشمندان را در پیشینه خود دارد و مقابله و معارضه با آن و ارائه یک نظر بدیع در چارچوب معارف اسلامی کار ساده‌ای نمی‌باشد. از آنجاکه یکی از ویژگی‌ها و جلوه‌های شخصیتی آیت‌الله خامنه‌ای ورود عالمانه و اجتهادی به برخی مباحث بنیادین علوم اسلامی می‌باشد. در سال‌های اخیر در راستای شرح این مفهوم بنیادی و مهم کتاب «آزادی یعنی آزادی» توسط حجت‌الاسلام سعادت‌ی فرد از بیانات مقام معظم رهبری گردآوری شده است و توسط انتشارات گام دوم در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.



تحلیل‌های اشتباه

نقش جوانان انقلابی در حوادث فتنه‌گون

یادداشت | حجت‌الاسلام والمسلمین وزیر ی فرد

فتنه فضایی است که آن فضا غبارآلود است، در فضای فتنه حق از باطل تشخیص داده نمی‌شود، در فضای فتنه افراد بدون اینکه بفهمند کجا می‌روند به سمت گمراهی رانده می‌شوند. در فضای فتنه حرف‌هایی که زده می‌شود هیچ‌کدام منطبق بر واقع و حق نیست، چیزهایی را نشان می‌دهند و آن‌هایی که دنبال این حرف‌ها هستند به اشتباه می‌افتند. فضای فتنه از جنگ سخت‌تر است، در جنگ افراد می‌دانند چه می‌کنند، هرکسی می‌داند که رو به چه کسی دارد شلیک می‌کند، شمشیر می‌کشد. اما در فضای فتنه نه، در فضای فتنه معلوم نمی‌شود که کی حق است، کی باطل است، حق و باطل کجا هستند، این است که فضای فتنه خیلی فضای سخت‌تری است و فتنه زمینه‌ساز جنگ هم است، یعنی



سبب است، سببی که از مسببش خطرناک‌تر است. الآن در فتنه‌ای که داخل آن هستیم همین‌طور است، فتنه‌ای است که با دروغ و نسبت دادن کشته شدن یک دختر جوان به مجموعه نهادهایی از نظام شروع شد. خب زیاد آدم‌ها از دنیا می‌روند، دخترهای زیادی کشته می‌شوند، یکی یکی، دو تا دو تا، دسته‌دسته، در این کشور، در کشورهای همسایه، در دوردست؛ برای هیچ‌کدام از این‌ها این فضا درست نمی‌شود، چون آنجا بنا به فتنه‌گری نیست، ولی در اینجا یک دختری که سوابق ناراحتی مغزی و قلبی هم داشته است، ای بسا اگر در خانه‌شان هم بود، در رختخواب هم بود به همین ابتلا، از دنیا می‌رفت، با از دنیا رفتن این دختر، فضای فتنه در این مملکت مشتعل شده است.

عکس‌العمل خواص در فتنه

در این فضای فتنه، همه هم جرئت نمی‌کنند درست وارد بشوند. امیرالمؤمنین فرمود که من چشم فتنه را از حدقه درآوردم، و اگر من این کار را نمی‌کردم، کس دیگری توان این کار را نداشت، جرئت این کار را نداشت. درآوردن چشم فتنه کار سختی است، یعنی هدایت یک جامعه در شرایط فتنه از هدایتش در دوران جنگ سخت‌تر است. وقتی فتنه شروع می‌شود بررسی آن و ریشه‌های آن کار سختی است، همه نمی‌توانند این کار را کنند. بعضی‌ها که حاضر نیستند موقعیت خودشان به خطر بیفتند و می‌ترسند شرایط به‌گونه‌ای بشود که برایشان خطرآفرین باشد، حرف‌هایی می‌زنند که هیچ‌کدام پایه و اساس ندارد. حالا از آن عده‌ای که نظام جمهوری اسلامی را فقط متهم کرده‌اند، و پشت سر هم اتهامات مختلفی بر آن وارد می‌کنند، از آن‌ها بگذریم، آن‌ها که وضعشان معلوم است، چه سیاسی‌ها، چه چهره‌های هنری، چه چهره‌های ورزشی، آن‌ها که وضعشان معلوم است، آن‌ها افرادی هستند که در حال دمیدن در آتش این فتنه هستند، از آن‌ها بگذریم.

ریشه فتنه اخیر

اما یک عده دیگری که می‌خواهند یک‌کمی واقع‌بینانه‌تر فتنه را تحلیل کنند، حرف‌هایی می‌زنند که یک بخشش خوب است، اما ریشه فتنه نیست. مثلاً اینکه مردم از وضع اقتصادی ناراحت هستند. خب بله وضع اقتصادی وضع سختی است، البته نسبت به آنچه که باید باشیم وضع سختی است. این‌ها همه حرف‌های درستی است. منتها این‌ها ریشه فتنه فعلی نیست، این‌ها ناراحتی‌های مردم است. بنابراین اینکه که ما خیال کنیم علت این فتنه ناراحتی مردم از شرایط اقتصادی است، این



حرف غلطی است، مردم مشکل نان دارند، مشکل آب دارند، مشکل تخم مرغ دارند، مشکل مرغ و گوشت و لباس و چی و چی، همه این‌ها را دارند. اما این مشکلات باعث نشده است که مردم از اصولشان دست بردارند؛ اصول مردم چیست؟ اصول مردم قبول داشتن نظام اسلامی است، اصول مردم رعایت ادب و احترام است، اصول مردم رعایت حرمت مال دیگران است، رعایت حرمت خون دیگران است، رعایت حرمت آبروی دیگران است. مردم از اصولشان دست بر نمی‌دارند. اما چیزی که الآن در کف خیابان می‌بینیم همه‌اش خلاف این‌ها است، پس ریشه این قضایا این حرف‌ها نیست. بله مردم ناراحتی‌هایشان را دارند. ریشه این قضایا چیز دیگر است، متأسفانه بعضی‌ها که مشهور هم هستند به اینکه آدم‌های خوبی هستند سیاست هم می‌دانند، تحلیل‌هایشان جامعه را دارد به انحراف می‌برد. این‌ها تحلیل این فتنه نیست. آن چیزی که حضرت آقا فرمودند، فرمودند وقتی ما صحبت از دخالت خارجی می‌کنیم، بعضی‌ها فوری می‌خواهند جبهه بگیرند فوری می‌خواهند طوری صحبت کنند که خودشان را سپر

بلای آن‌ها کنند که به خارجی هیچ

حرفی گفته نشود. خب این یعنی

این‌که، این ناراحتی‌هایی

که گفته شد همه است

اما آن چیزی که فتنه

فعلی را شعله‌ور کرده

است، دست خارجی

است و لاغیر، هیچ

تحلیل دیگری ندارد،

شما می‌گویید با

بی‌حجاب بد برخورد

می‌شود، بسیار خب

به فرض؛ ولی اصلاً

بحث فعلی بحث

حجاب، بی‌حجابی

نیست، این‌هایی که وارد

این قضایا شدند بحثشان





بحث حجاب بی‌حجابی نیست، شعارهایشان پیدا است، کارهایشان پیدا است. با شعار حجاب اجباری یا اختیاری یا فلان که پرچم آتش نمی‌زنند! این علائم نشان می‌دهد که دست دیگری در کار است. اینکه ما بیاییم حالا تحلیل کنیم که مردم ناراحت هستند آقا زندگی‌شان سخت است، قیمت اتومبیل این بوده این شده، این باعث بروز این طور فتنه‌هایی نمی‌شود، این در مردم ناراحتی دارد، یک وقتی هم بخواهند اظهار ناراحتی بکنند به نحو خاص است.

بنابراین این اشتباه را نکنیم، این فتنه شعله‌ور شدنش فقط و فقط به دست خارجی است. چرا ما فتنه را درست تحلیل نمی‌کنیم؟ اینکه امیرالمؤمنین فرمود من چشم فتنه را درآوردم، به خاطر اینکه علی بود که شناخت و جرئتش را هم داشت. اینجا یک عده‌ای نمی‌شناسند، یا اگر می‌شناسند جرئتشان را ندارند. از روحانی و غیرروحانی، از حوزه و غیر حوزه موضعی که می‌گیرند هیچ‌کدام مواضع واقعی در برابر فتنه نیست، فقط می‌خواهند از خودشان رفع تکلیفی شده باشد؛ و الا فتنه این است.

باینکه اشاره فرمودند که خارجی، اما حتی آن‌هایی که حزب الهی هستند این‌ها در تحلیل‌هایشان دارند به اشتباه می‌روند. الآن ما بحث گشت ارشاد مطرح کنیم، ولو اینکه گشت ارشاد یک روش اشتباه باشد، اصلاً جای بحث آن نیست. بحث گرانی مطرح کردن، الآن جایش نیست؛ الآن دست خارجی می‌خواهد مملکت را زیر و رو کند، آن‌ها همه مشکلاتی است که مال مملکت است باید در شرایط درست، در فضای مناسب حل بشود، این فتنه.

پس «الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» ببینید فضایی که در این شرایط ایجاد می‌شود به مراتب بدتر از فضای جنگ تحمیلی است؛ در جنگ تحمیلی راحت بچه‌ها را می‌فرستادند جنگ می‌کردند، شهید می‌شدند، منطقه‌ای را آزاد می‌کردند، منطقه‌ای را از دست می‌دادند همه چیز روشن بود. اما در این شرایط دروغ‌ها این قدر زیاد است، در بعضی از ارزیابی‌ها گفته شده که بیش از هفده هزار و خرده‌ای دروغ فقط دو سه تا از این دروغ‌پراکن‌های خارجی در این ظرف این چند روز منتشر کردند یا صد و هفتاد هزار، صد هفتاد و خرده‌ای هزار دروغ. این چیز کمی نیست، این فتنه را می‌سازد. این از بحث فتنه که باید عرض می‌کردم مطمئناً دست خارجی است؛ این‌ها هم که یکی به نعل می‌زنند یکی به میخ، یا دنبال منافعشان هستند یا نمی‌فهمند، این‌هایی که می‌گویند دولت باید حرف مردم را گوش بدهد پلیس باید مهربان باشد، این‌ها حرف‌های دو پهلوی آدم‌های منافق صفت است. مؤمن در شرایط فتنه باید موضع‌گیری صریح و صحیح داشته باشد. خب امیدواریم این قضایا برچیده بشود، ریشه‌اش که در خارج است زده بشود، بعد مشکلات مردم هم باید رسیدگی بشود، بله جوابش داده بشود.



اغتشاشات سفره مردم را

کوچک‌تر کرد ● یادداشت | حسین کاظم زاده

تحریم‌های بی سابقه بعد از انتخابات ۸۸

بهار ۸۸ پس از دستاوردهای پی در پی جمهوری اسلامی در ماجرای هسته‌ای و ناکامی‌های منطقه‌ای آمریکا، اوپاما در نامه‌ای به مقام معظم رهبری، خبر از تغییر سیاست‌ها و مواضع آمریکا در قبال ایران داد. قبل از این نامه هم تغییرات مشهود طرف آمریکایی در مذاکرات، بسیاری از تندروهای آمریکایی را به خشم آورده بود. این اتحاد و همبستگی ملت ایران و تغییر موضع آمریکا با انتخابات خرداد همان سال و نصاب بالای مشارکت، جان مضاعفی



گرفت و امید به لغو کامل تحریم‌های آمریکا هم قوت گرفت. اما حوادث پس از انتخابات و آشوب‌های خیابانی چندماهه آن دشمن را به طمع انداخت و دوگانه حاکمیت-مردم، بهانه‌ای شد برای وضع تحریم‌های عجیب و غریب علیه ملت ایران. تحریم‌هایی که دیگر صرفاً هسته‌ای نبودند و ماهیتی سیاسی نظامی اقتصادی پیدا کردند و سنگین‌ترین این تحریم‌ها در سالگرد فتنه ۸۸ با قطعنامه ۱۹۲۹ وضع شد. جان بولتون مشاور قبلی امنیت ملی کاخ سفید در این باره می‌گوید این ناآرامی‌های ایران در سال ۸۸ بود که گزینه تحریم ایران را که بیش از دو سال از دستور کار خارج شده بود، مجدداً به روی میز برگرداند. تحریم‌هایی که بیش از ۱۲ سال است کشور را دچار گرفتاری‌هایی سنگین اقتصادی و سیاسی کرده است و مسیر تعامل و ارتباط ما را با دنیا وارد یک مسیر جدیدی کرد. تحریم‌هایی که علاوه بر ضررهای اقتصادی وحشتناک، جان بسیاری از عزیزان کشور ما را به خاطر تحریم دارویی گرفت.

تصویر هوایی از اوضاع اقتصادی در این روزهای ناآرام

اما در مهر ۱۴۰۱ و پس از ناآرامی‌های شهرهای مختلف ایران، این بار وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام می‌کند که ده شرکت نفتی ایرانی که در امر صادرات نفت ایران، سهام هستند را تحریم کرده است، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا نیز هشدار داد که اگر دیگران نمی‌خواهند هدف تحریم‌های آمریکا قرار بگیرند، باید فوراً به این‌گونه تبادلات خاتمه بدهند. او به صراحت اشاره کرده که این اقدامات با هدف محدود کردن شدید صادرات نفت و محصولات پتروشیمی ایران به طور منظم ادامه خواهند یافت. از سوی دیگر در فضای اجتماعی، ضدانقلاب با محوریت رسانه‌های خود، کمپین تحریم فوتبال ایران در جام جهانی را راه می‌اندازد. که البته جهد عاجز بود و به سرانجامی هم نرسید. حزب منحوس کوموله که خاطرات جنایاتش، انسان را به وحشت می‌اندازد، به طمع می‌افتد و با سلاح گرم به خیابان‌ها می‌آید و نماد امنیت یک کشور که نیروی نظامی و انتظامی آن باشد را سلاخی می‌کند.

خسارت‌های وارده بر اموال عمومی و صنفی از مرز ۱۸۰۰ میلیارد هم می‌گذرد.

در بعد اقتصاد داخلی نیز این آشوب‌ها تأثیرات شگرفی روی معیشت مردم داشت.

بورس به وضعیت قرمز رسید و رکودی معنادار در بازار به چشم خورد. حجم معاملات طی این روزها اکثراً در محدوده کم‌تر از ۳۰۰۰ میلیارد تومان قرار گرفت. بررسی ارزش معاملات نشان می‌دهد که حجم معاملات سه تا چهار هزار میلیارد تومان نشان از دوران رکود بازار است. اساساً تأمین امنیت اجتماعی زیربنای توسعه اقتصادی و از اهم واجبات یک کشور است



که امروز از سوی دشمنان زخم خورده این ملت، نشانه گرفته شده است. در وضعیت نا به سامان اجتماعی هیچ سرمایه‌گذار خارجی حاضر نیست در چنین شرایطی سرمایه خود را در وضعیتی که ثباتی در آن نیست، وارد کشور کند درحالی که رشد سرمایه‌گذاری برای رشد اقتصادی امری ضروری است.

سید رضا نورانی رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی با اشاره به ناامنی‌های اخیر و تأثیر آن روی اقتصاد کشور به مورد جالب توجهی اشاره کردند: «مواردی بود که ما مذاکرات اولیه برای واردات موز انجام داده بودیم، اما آن‌ها در نهایت طرف‌های مقابل قرارداد خود را لغو کردند، درحالی که هیچ علتی به‌غیر از تغییر نگاه آن‌ها پس از آشوب‌ها و اغتشاشات وجود نداشت.»^۱

در حوزه گردشگری، که یکی از منابع تولید ثروت و شغل در کشور است و راهی برای معرفی ایران برای سرمایه‌گذاری و صادرات فرهنگی کشور است، به‌طور واضحی شاهد افت در دوران ناامنی و اغتشاش هستیم. روشن است که در فضای آشوب و اردوکنشی‌های خیابانی تصویری که از ایران برای کل دنیا مخابره می‌شود چه تصویری می‌شود!! چندین سال است که فعالان گردشگری در نمایشگاه‌های کشورهای خارجی حضور پیدا می‌کنند تا بتوانند تصویری امن از ایران ارائه دهند اکنون نیز نمایشگاه‌های گردشگری تاپ رزا در فرانسه و نمایشگاه جاتا در ژاپن برپا شده و نمایندگانی از ایران نیز در آنجا حضور دارند تا بتوانند کشورهای دیگر را قانع کنند برای ایران از گردشگری داشته باشند در این رابطه هزینه‌های زیادی نیز شده است. مدت‌های مدیدی تلاش می‌شود که تصویری زیبا، آرام، جذاب با مردمانی باصفا از ایران برای توریست‌های خارجی ساخته شود که در عرض چند روز همه این تلاش‌ها از بین می‌رود. وزیر گردشگری در این رابطه تشبیهی جالبی داشتند و تلاش‌های ایران برای رفع «ایران‌هراسی» را به بازی مار و پله تشبیه کرد که درست وقتی پله موفقیت را طی می‌کنیم با یک نیش به پله اول برمی‌گردیم!

شالباغان، معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در یک مصاحبه اشاره می‌کند: «حوادث دو هفته اخیر در موسم ورود گردشگران خارجی تأثیر قابل توجهی در لغو کردن سفرها داشت»^۲

اساساً یکی از کلان پروژه‌های دشمن در قبال جمهوری اسلامی، پروژه ایران‌هراسی است که به شکل محسوسی روی اقبال مردم دنیا نسبت به ایران مؤثر واقع می‌شود. این‌ها همگی آثار و تبعات اقتصادی ناآرامی‌های اخیر در اوضاع اقتصادی مردم است.

۱ مصاحبه با خبرنگاری فارس ۱۰ مهر ۱۴۰۱

۲ گفت‌وگو با خبرنگاری فارس ۷ مهر ۱۴۰۱



اختلاف در امت، شاه‌کلید طمع دشمن

با یک نگاه دقیق هر وقت که اتحاد و همبستگی میان مردم افزایش پیدا می‌کند، کشور در مسیر پیشرفت خود مصمم‌تر می‌شود و گام‌های جدی در این جهت برمی‌دارد و دشمن هم دندان طمعش را می‌کند و مقابل ایران سر تعظیم فرود می‌آورد و شاخص‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی هم پیشرفت می‌کند.

اما وقتی میان مردم شقاق ایجاد شد و تنازع و آشوب، عملاً راه‌حل مسائل کشور، دانسته شد، در واقع مؤلفه اصلی قدرت کشور، مورد تهدید واقع می‌شود و دشمن هم می‌فهمد که از رخنه‌ای که ایجاد شده است می‌تواند نفوذ کند.

در جنگ احد و پس از پیروزی اولیه مسلمانان بر کفار، زمانی که امر پیامبر نسبت به حفظ تنگه احد، مورد غفلت عده‌ای قرار گرفت و عملاً میان مسلمانان در این مسئله نزاع و کشمکش رقم خورد خداوند متعال از این ماجرا این‌طور روایت می‌کند و مسلمانان را به عامل اصلی رقم خوردن شکست برای سپاه اسلام توجه می‌دهد:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۱

وقتی تنازع و اختلاف نرخ رایج جامعه شد، فشالت و سستی جامعه را فرامی‌گیرد و این باعث از بین رفتن قدرت یک کشور و جمعیت می‌شود.

اساس قدرت جمهوری اسلامی یعنی نظامی که بر پایه اسلام و جمهور بنا شده، بر اتحاد و همدلی مؤمنانه میان آحاد مردم است، تمام طراحی‌ها و نقشه‌ها و تحریم‌های دشمن هم برای این است که این اراده محکم ملی را هدف قرار دهد، اگر این مؤلفه قدرت آسیب دید، دشمن جری می‌شود و جلو می‌آید.

دستگاه محاسباتی دشمن بر اساس همین فرمول شکل می‌گیرد، مهم‌ترین عنصر در محاسبات دشمن، اراده کلی‌ای است که از سوی مردم، دریافت می‌کند. اگر از جبهه حق و جامعه ایمانی، اتحاد و همدلی دید، عقب می‌نشیند و طمعش از بین می‌رود، اما اگر دید که فشارها و طرح‌هایش در اختلال در اراده ملی و اتحاد آحاد مردم، مثمر‌تر واقع شده است، گام بعدی را محکم‌تر برمی‌دارد و دایره محاصره‌اش را تنگ‌تر می‌کند و همه ابزارهای خود از تحریم و درگیری‌های نظامی و را فعال می‌کند و این یعنی اوضاع اقتصادی کشور دچار التهاب شده و عملاً سفره مردم کوچک شود.

راهکار عملی مکتب امام برای اتفاقات اخیر

حجت‌الاسلام کاظم‌زاده از اساتید جوان حوزه علمیه قم و از
اعضای اصلی خانه طلاب جوان می‌باشند.
در ادامه گفتگوی اختصاصی نشریه عهد با ایشان را می‌خوانید

عهد: به‌عنوان اولین سؤال، لطفاً تحلیل خودتان را از مسائلی که این روزها حول مسئله حجاب در کشور ایجاد شده است برای مخاطبان نشریه بیان بفرمایید؟

یکی از خلأهای امروز فضای مجازی ما، همین است؛ که ما در صحنه تحلیل‌های مختلفی که در فضای مجازی می‌بینیم، جای خالی چنین تحلیل‌هایی انصافاً احساس می‌شود. چه تحلیل‌هایی؟ تحلیل‌هایی که از جنس خود انقلاب است یعنی بوی انقلاب می‌دهد، بوی افکار و اندیشه‌هایی را می‌دهد که غبار روزمرگی و غبار خیلی چیزهایی که باعث مسائلی می‌شود که هیچ‌کس قبول ندارد و منجر به یک سرخوردگی می‌شود، نداشته باشند. خیلی روشن بخوایم بگویم ما بسط اندیشه‌های حضرت امام و حضرت آقا را در صحنه تحلیل مسائل سیاسی روزمان نداریم. ما امروز واقعاً نیاز داریم به اینکه حضرت آقا را، اندیشه‌هایش را، اندیشه‌های راهبردی‌اش را، اندیشه‌های سیاسی‌اش را بیاوریم و در این مسائل به عیان نشان بدهیم.

در تحلیل این ماجرا به نظرم نکاتی را خوب است به آن توجه بکنیم. یکی از آن نکات بسیار کلیدی و مهم که متأسفانه در خیلی از تحلیل‌ها، مغفول واقع می‌شد و یکی از سرفصل‌های مکتب امام است این است که ما اساساً مسائل را جامع تحلیل کنیم. جامع در این مسئله به چه معناست؟ این نکته به نظر من بین خیلی از تحلیل‌گرهای ما مغفول واقع شده است. طرف فکر می‌کرد مسئله اصلی و محوری امروز، که باعث این همه ماجراها شده است. مثلاً مسئله‌ای به نام گشت ارشاد است یا حتی مسئله‌ای به نام حجاب است؛ و می‌گفتند اگر ما در مسئله حجاب این جوری عمل می‌کردیم این مشکلات پیش نمی‌آمد. در صورتی که این تحلیل اشتباه است، اساساً مشکل رقیب ما، جبهه مقابل ما مسئله‌ای به نام حجاب نیست، او اساساً مشکل اصلی‌اش با حاکمیت دینی است، او اساساً مشکلش وجود شما است، وجود شما می‌گویی من قرار است مستقل روی پای خودم بایستم و به شرق و غرب متکی نباشم و



دین و احکام دین را به تمام در عرصه جامعه محقق بکنم، بعد این را سر دست بگیرم و برای کشورها و ملت‌های دیگر الگودار کنم. اصل وجود این، محل دعوا و نزاع است لذا دیدید در کلماتشان هم، بلافاصله از موضوع خانم امینی، از موضوع حجاب، از موضوع گشت ارشاد، رفتند سراغ آن موضوع اصلی، که اساساً حکومت اسلامی چیست و به چه دردی می‌خورد؟ اصل وجود ماجرای به نام جمهوری اسلامی محل حمله و نزاع و دعوا قرار گرفت و اساساً شما از یکجایی به بعد، اصلاً کلامی و کلمه‌ای به نام مهسای امینی و گشت ارشاد کمتر و یا اصلاً دیگر نمی‌شنیدید. به تعبیر خودشان، مهسای امینی و گشت ارشاد و امثال آن، اسم رمز شد، اسم رمز بود، نماد بود. وقتی که نماد شد شما دیگر اساساً با یک موضوعی به نام گشت ارشاد یا حجاب، که موضوعی است مثل موضوعات دیگر مواجه نیستید.

لذا مسئله از این قرار است و دشمن هم عرض کردم با همه قوا به میدان آمده است. جنگ، جنگ متوازی نیست و متأسفانه ما آرایش جنگی نگرفته‌ایم، اصلاً متوجه بزرگی حمله‌ای که در این فضا بر علیه ما اعمال می‌شود نیستیم و اصلاً نهادهای بیست و چندگانه ما، که در قانون مصوب شورای فرهنگی عمومی شرح وظایف برایشان نوشته شده است، در این ماجرا آرایش جنگی ندارند. لذا در خروجی‌هایش هم روشن است چه اتفاقی می‌افتد.

عهد: یک نقدی که به صورت کلی به تحلیل‌های ما می‌شود این است که ما گاهی اوقات تحلیل را ارائه می‌دهیم ولی کمتر سراغ راهکارهای عملی می‌رویم. در این ماجرای گشت ارشاد و حجاب و این آوردگاهی که شما ذکر کردید یک سری یک راهکار خیلی روشنی دارند که ما نبرد را که بالاخره به قول شما متوازن نیست و جبهه مقابل آتش توپ‌خانه سنگینی را روی ارزشی با عنوان حجاب یا مثلاً عفاف گرفته است، آن‌ها پیشنهادشان این است می‌گویند که ما وقتی این جنگ را پیروز نمی‌شویم بیاییم این قانون را کنار بگذاریم. حالا به نظر شما راهکار ما به صورت مشخص و عینی در این ماجرا چیست؟

اولاً غفلت ما از فتوحاتی است که انقلاب اسلامی در زمینه حجاب چه در داخل و چه در خارج از کشور رقم زده است. ما متأسفانه رصدی نداریم و از عمق اتفاقی که به واسطه انقلاب اسلامی مشخصاً در مسئله حجاب افتاده است، بی‌خبریم. یکی از کارهایی که رسانه، با ما کرده دقیقاً همین است، بایکوت فتوحات شما است. وقتی مردم متوجه این فتوحات در داخل کشور نیستند، مطمئن باشید متوجه این فتوحات در خارج از این مرزها به طریق اولی نخواهند بود.

این فتوحات چیست. ببینید شما با وجود این هجمه سنگین، با وجود اینکه ما الآن داریم در یک دهکده جهانی زندگی می‌کنیم. با وجود اینکه در سرتاسر دنیا کاپاره را کف خیابان آوردند. یعنی بی‌عفتی و بی‌حیایی در دنیا الآن تبدیل به قانون و عرف شده است. شما در این فضا، در این جامعه جهانی با این توصیفات، جمهوری اسلامی با این مختصات را تولید کرده‌اید. حجم



انبوهی از معتقدین به حجاب، آمارهای رسمی می‌گوید که ۸۸ درصد مردم اعتقاد به حجاب دارند، معتقدند که حجاب چیز خوبی است، ولو خودشان حجاب کامل ندارند. این خیلی مهم است و جزء فتوحات انقلاب است ولو با آن نقطه مطلوبی که مدنظر ماست فاصله داریم، ولی این را توجه داشته باش که این دخترخانم شما که الان ما به او شل حجاب می‌گوییم، او برای حفظ همین روسری‌ها مشغول مبارزه است. یعنی طراحی‌های متعددی دارد می‌شود همین روسری از سر این دختر شما برداشته بشود و او برداشته است. او الان تا به یک هیئتی برسد، چراکه طبق آمارهای رسمی، ۸۰ یا ۸۵ درصد از مردم ما در هیئت شرکت می‌کنند، موانع متعددی را پشت سر گذاشته است.

بنابراین ما در زمینه حجاب پیشرفت داشته‌ایم. این یک ادعای گزافی نیست. زن امروز ما برخلاف زن سال ۵۷ دارد مبارزه می‌کند که این روسری خودش را حفظ بکند. البته عرض می‌کنم بی‌حجابی یا بدحجابی او یک نقیصه‌ای است، یک منکری است. حتماً هم باید برطرف بشود. اما دقت بکنید که او اولاً معتقد به حجاب است، خودش را باحجاب می‌داند و برای اینکه همین روسری را روی سر خودش حفظ بکند، طراحی‌هایی را کنار گذاشت تا به اینجا برسد. نکته دوم همان مطلبی بود که در مقدمه عرض کردم و باز هم می‌خواهم رویش تأکید بکنم. مسئله جبهه مقابل ما مسئله حجاب نیست. حتماً نهاد گشت ارشاد، ناجا، با همه زحماتی که کشیده‌اند، مثل نهادهای دیگر ما، مبتلا به اشکالات و نواقصی هستند که اجمالاً اینجا به آن اشاره می‌کنم، اساساً سپردن مسئله حجاب فقط به یک نهاد نظامی و انتظامی و پلیسی، این خطا است. عرض کردم بیست و اندی نهاد در آن قانون مصوب شورای فرهنگ عمومی موظف شده‌اند، که یکی‌اش نیروی انتظامی است. ولی باید خیلی نهادهای دیگر مثل صداوسیما، سازمان تبلیغات و... نیز در این مسئله حضور داشته باشند.

عهد: نقدی ممکن است بر فرمایش شما وارد بشود و آن این است که متولی امر حجاب، در جامعه امروز ما نیروی انتظامی نیست. بلکه نیروی انتظامی صرفاً پیگیر این است که قانون حجاب در جامعه عملی بشود یعنی او متولی گسترش حجاب در جامعه نیست و صرفاً کار انتظامی به عنوان یک قانون می‌کند.

بله، الان عرضم این است، گویا به خاطر کم‌کاری نهادهای دیگر متولی امر حجاب که آن‌ها می‌بایست دست به دست هم می‌دادند و تولی می‌کردند، در کوتاهی آن‌ها این امر را گویا، نیروی انتظامی متولی شده است. یعنی انتظاراتی که همه از بحث حجاب دارند که باید این ده تا اتفاق در مسئله حجاب بیفتد، همه را انگار ما از نیروی انتظامی انتظار داریم..؛ یعنی مثلاً ما انتظار داریم که نیروی انتظامی برای این‌ها کلاس بگذارد، این‌ها را توجیه بکند، فرض بفرمایید تبعات بدحجابی یا بی‌حجابی را به این‌ها تذکر بدهد.



نیروی انتظامی باید با چند دسته برخورد کند؛ (۱) با مجموعه‌هایی که دارند ترویج بی‌حجابی می‌کنند. ببینید این ترک فعل‌هایی که به قول حضرت آقا اتفاق می‌افتد، گاهی برای مردم علامت سؤال ایجاد می‌کند که می‌گویند گشت ارشاد دارد این تکه را اجرا می‌کند، اما تکه‌های دیگر را گویا اجرا نمی‌کند. مجموعه‌هایی که در کشور دارند ترویج بی‌حجابی می‌کنند، هیچ نظارتی هم روی آن‌ها نیست. الآن شبکه‌های خانگی ما به‌گونه‌ای شده است که بعضی از این فیلم‌ها را با زن و بچه‌ها نمی‌توانی نگاه کنی. مثال دیگرش این است که الآن من، خانم یا دخترم می‌خواهد باحجاب باشد، چقدر هزینه باحجاب شدنش می‌شود، هزینه اقتصادی اش را عرض می‌کنم؛ چرا این جور باید باشد! یکی از وظایف همان قانون، فکر می‌کنم یکی از بندهای وزارت بازرگانی است. وزارت بازرگانی موظف شده است از مجموعه‌هایی که تولید چادر و مجموعه لباس‌هایی که به حجاب کمک می‌کنند حمایت کنند. الآن دقیقاً خلافش است.

وقتی این برخوردها انجام نمی‌شود، برخورد با این مصداقی که نیروی انتظامی موظف به آن شده است، می‌شود کاریکاتور. یعنی شما یک قانونی نوشتید که با مروجین بدحجابی باید برخورد بشود، درحالی‌که نمی‌شود. چرا با سلبریتی‌ها برخورد نمی‌شود؟ یعنی الآن یکی از مطالبات مردم ما این است، می‌گویند عیب ندارد به این خانم تذکر دادید. ولی چرا با این سلبریتی‌ها، هم چنین کاری نمی‌کنید؟! من که معتقد هستم او مروج بدحجابی است، حتماً می‌بایست برخورد جدی‌تری با او بشود. وقتی این اتفاقات نمی‌افتد علامت سؤال ایجاد می‌شود.

بنابراین اگر جامعه شما احساس بکند که شما گزینشی برخورد نکرده‌اید. و با دانه درشت‌ها، با شبکه‌های خانگی، با سلبریتی‌ها، با تولیدکننده‌های قاچاق مانتوهای آن‌چنانی برخورد کرده‌اید، و از مجموعه‌های داخلی که به حجاب کمک می‌کنند حمایت کرده‌اید به نظرم مردم با جایگاه برخورد گشت ارشاد همراهی خواهند کرد.

حالا می‌رویم سراغ راهکارهای این مسئله که اگر بخواهیم از مکتب امام برای ارائه راهکار وام بگیریم، به نظر می‌رسد همان نظریه‌ای که منجر به انقلاب اسلامی شد را باید ببینید. انقلاب اسلامی محصول نظریه مردم‌سالاری دینی است خیلی یک خطی بخواهیم بگوییم کوتاه هم اگر بخواهیم توضیحش بدهیم و سریع برویم سراغ راهکار عملی، این است که اساساً حضرت امام برای تحولات اجتماعی راهکار و نظریه دارند؛ نظریه‌شان هم مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی از دو بخش تشکیل شده است: یک حضور مسئولانه و متعهدانه آحاد مردم؛ (دو) مدیریت و حاکمیت و امامت متمرکز ولی فقیه.

اگر این دو مؤلفه جمع بشوند به نظرم اتفاقی در عداد انقلاب اسلامی رقم می‌خورد. شما انقلاب را روی همین نظریه انجام داده‌اید. انقلاب را با دست‌خالی، دفاع مقدس را با دست‌خالی مقابل همه ابرقدرت‌ها انجام داده‌اید. یعنی نظریه، کارآمدی‌اش را در عمل نشان داده است. اما این نظریه مردم‌سالاری این است که اگر با مدیریت و امامت و در واقع جلوداری امام جامعه،



مردم متعهدانه در صحنه حضور پیدا نکنند. عرصه تغییر پیدا می‌کند. ببینید راه حل تحول در فضای مجازی این دو اتفاق است: اولاً حاکمیت حکومت اسلامی در فضای مجازی باید تأمین بشود، یعنی معنی ندارد که فضای مجازی ات توسط دشمن طراحی بشود که عملاً حاکمیت شما در فضای مجازی نقض بشود. حالا به تعبیر تندش که بعضی از دوستان می‌کردند و من خیلی نمی‌پسندم، ولی این فضای رها شده فضای مجازی یک‌گونه کاپیتولاسیون است. شما سلبریتی‌ات که با هزینه بیت‌المال بزرگ شده است، در فضای مجازی می‌آید و آشوب راه می‌اندازد، خون می‌ریزد و شما نمی‌توانید برخورد کنید؛ کاپیتولاسیون هم همین بود. در کاپیتولاسیون، مأمور امریکایی می‌آمد و به ناموس شما تعرض می‌کرد، تخلفی مرتکب می‌شد. اما شما نمی‌توانستید برخورد کنید. الان این فضای مجازی ولنگار ما، که حضرت آقا می‌گویند ول است، یعنی همین. پس نکته اول حفظ حاکمیت حکومت در فضای مجازی است.

نکته دوم که اگر این نکته دوم نباشد واقعاً نکته اول هم به فنا می‌رود، حضور مسئولانه و متعهدانه مردم است، ببینید ما امروز واقعاً نیاز داریم به این که، مردم، آحاد مردم حضور متعهدانه داشته باشند. حضور متعهدانه به چه معناست؟ یعنی جریان مردمی و خودجوشی که در فضای مجازی حاضر است، اندیشه‌های انقلاب، یعنی اندیشه‌های امام و آقا را می‌فهمد، راهبرد امروز انقلاب اسلامی را، راهبرد آموزش را که گذار به انقلاب اسلامی است می‌داند، هضم کرده است، رسانه می‌فهمد، پیچیدگی‌های رسانه را، سواد رسانه را، رسانه امروز را می‌شناسد، پیچیدگی‌های فضای رسانه‌ای را به آن علم دارد، یک سری مختصات دارد. ما به یک سری افسر این شکلی در کف میدان مجازی نیاز داریم تا بتوانند اگر حادثه‌ای رقم خورد، روایت غالب آن حادثه در ذهن مردم در دست شما است. در صورتی که اگر شما کف میدان مجازی سرباز و افسرانی نداشته باشید که این ویژگی‌ها را داشته باشند، روایت دشمن در ذهن مردم شما غالب می‌شود. و مردم شما را کف میدان می‌کشاند، اسلحه دستشان می‌دهد، مجهزشان می‌کند، تجهیزشان می‌کند، به دست خود مردم فتنه درست می‌کند، به دست خود مردم نظامی شما را از بین می‌برد و به شهادت می‌رساند.

صاحب امتیاز: خانه طلاب جوان سردبیر: محمد گوهری تحریریه: فرهاد نقدی، علی سپهران

انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق آی دی @gohari_67 در پیام رسان ایتا با ما در میان بگذارید

قلم‌های شما را به یاری می‌خواند. «عهد» دست‌های شما را برای توزیع جبهه‌ای، به یاری می‌خواند.



بارکد
نرم افزار
نشریه عهد

تلفن تحریریه: ۰۲۵۳۲۶۰۳۶۷۷

رایانامه: ahd.magazine@chmail.ir

@nashriyehd

